

## بررسی تأثیر اندیشه‌های سید قطب بر سلفیون جهادی

مریم شاه نظری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

علی قاسمیان (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۹

## چکیده

سلفی‌گرایی، جریانی افراط‌گرا است که به لحاظ تفسیری که از جامعه اسلامی دارد و نیز با خلق یا تغییر برداشت از برخی مفاهیمی چون جهاد، تکفیر، هجرت، کفر، شرک، دارالکفر و جاهلیت، در طول زمان و در برهه‌های مختلف دچار تغییر و تحولاتی شده است. اندیشه‌های سید قطب نقش فراوانی در تئوریزه شدن و گسترش تفکرات سلفی‌گرایی داشته است تا جایی که در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند افغانستان، پاکستان، مصر، ترکیه و... افکار و اندیشه‌های سید قطب به وضوح دیده می‌شود. شناخت تفکرات گروه‌های سلفی با توجه به نقش مؤثر آنها در برخی حوادث منطقه‌ای اهمیت فراوانی دارد. با توجه به این موارد، مقاله پیش رو به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که اندیشه‌های سید قطب چه تأثیری بر سلفیون جهادی داشته است؟ پژوهش حاضر بر این باور است که اندیشه‌های سید قطب به عنوان منبع تغذیه گروه‌های سلفی - جهادی توسط برخی متفکرین اسلامی باز تولید شده و دستمایه حرکت - های افراطی سلفیون جهادی گردیده است. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به نگارش درآمده است.

کلیدواژه: سلفیون، سید قطب، ابن تیمیه، دارالکفر، حسن البنا

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

سید قطب از پیشگامان بیداری اسلامی و فریاد احیای عظمت اسلام بود تا جایی که در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند افغانستان، پاکستان، مصر، ترکیه و... افکار و اندیشه های سید قطب به وضوح دیده می شود. محمود عقاد، حسن البنا و ابوالعلی مودودی از تأثیرگذاران در اندیشه های سید قطب بودند و در اندیشه های او سهم داشتند. اینکه چگونه سید قطب از یک اصلاح طلب سکولار به یک اسلام گرا سنتی تبدیل شد، جای بحث دارد، اما نظریه های متفاوتی وجود دارد. یکی از نظریه های اساسی این است که در سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۴ که در زندان بود و شاهد شکنجه ها و جنایات بسیاری علیه اخوان المسلمین بود، به این نتیجه رسید که تنها با رعایت موازین شرعی می توان از چنین حکومتی جلوگیری کرد. تئوری دیگر این است که تجارب او در آمریکا از یک سو و سیاست های ناصر از سوی دیگر به اندازه کافی ضد غربی نبوده و به همین دلیل جادوی نادانی قدرتمند و خطرناک (که او آن را خطری جدی برای می دانست) به وجود آورده است. طرز فکر سکولار، قطب در نهایت نظریه «معلمی در راه» را ارائه کرد و از همه نعمت های آرامش فردی و اجتماعی به «گنجینه های» نهفته در جهان برخوردار شد. سید قطب معتقد به حکومت اسلام بود، حکومتی که قوانینش بر اساس شریعت اسلام است. این برداشت متفکران و متفکران اسلامی است که می کوشند اندیشه های غربی حاکمیتی مانند دموکراسی و اسلام را به کار گیرند. تلقی دموکراتیک روشنفکران از بحث شورا (که مورد تایید قرآن است) را نمی پذیرد قبول نمی کنند ذکر شده است که قرآن در امر شورا به تنهایی متوجه حاکم است. مشورت با چند مشاور و این ربطی به انتخابات و نوع حکومت ندارد. سید قطب خود را مسلمانان پیشگام می دید که باید از دو جهت با جهل مبارزه کند: اول گسترش و دیگری سرنگونی سازمان ها و مقامات حکومت های جاهلی از طریق «قدرت بدنی و جهاد». جنبش مترقی باید رشد کند تا یک جامعه اسلامی واقعی را تشکیل دهد و سپس آن را در سراسر کشورهای مسلمان و در نهایت در تمام جهان گسترش دهد. قطب تاکید می کند که این مبارزه آسان نیست. اسلام واقعی همه شئون زندگی را دگرگون می کند و هر چیزی را که اسلامی نیست از بین می برد. مسلمانان غیر واقعی، یهودیان و غربی های جاهل برای جلوگیری از بین رفتن جهل و نادانی خواهند جنگید و متحد خواهند شد. مسلمانان واقعی می توانند «فقر، سختی، ناامیدی، عذاب، فداکاری» را با شور و شوق در آغوش بگیرند.

این پژوهش با هدف شناسایی اندیشه‌های سید قطب، اصول و دلایل تشکیل گروه‌های سلفی - جهادی و تأثیر اندیشه‌های سید قطب بر اندیشمندان این گروه‌ها انجام شده است. با توجه به موضوع تکفیری ها و سلفی ها، به ویژه در دهه گذشته، تالیفات فراوان و بسیاری از صاحب نظران، نویسندگان و صاحب نظران در این زمینه که هر کدام از زاویه و منظری به موضوع و موضوع سلفی های تکفیری پرداخته اند. اما پژوهش حاضر با توجه به بررسی تأثیرات و کارآمدی دیدگاه‌های سید قطب بر اندیشه‌ها و آرای متفکران معاصر سلفی و همچنین با استفاده از چارچوب نظری کمتر بحث‌انگیز برای «قالب‌بندی» سعی در ارائه نگاهی تازه و نو به این مقوله دارد. و می توان گفت که این یک تحقیق جدید است و در این راستا می توان این تحقیق را به کاستی ها و کاستی های تحقیق جامع و موانع موجود در این زمینه پرداخت. روش اصلی تحقیق در این تحقیق با توجه به محتوای تحقیق و ماهیت نظری آن، توصیفی - تحلیلی است.

### ۱- پیشینه پژوهش

در مقالات و پایان نامه ها: ۱- صالح و حامتی (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «بررسی مفهوم حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی سید قطب». مبنای تفکر کافر در اعتقادات گروه های تکفیری. ۳- موسوی علیزاده (۱۳۹۶) در کتاب «کودتا: نقد و بررسی مبانی فکری جریان های تکفیری با محوریت داعش» ۴- البوطی (۱۳۸۳). الف - کتابی با عنوان: سلفی گرایی بدعت ها یا دین ۵ - هوشنگی (۱۳۹۲) در کتاب اصولگرایی سلفی: ۶- پارسانیا و عرفان منیش (۱۳۹۱)، در مقاله ای با عنوان روش شناسی اساسی معرفت اجتماعی سید قطب. ، ۷- رضوانی (۱۳۹۰) در کتابی با عنوان سلفی گری در گیاه انتقادی و بررسی دیدگاه ها و اندیشه های سلفی ۸ - برومند (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان "بررسی بازتاب اندیشه های علمای اسلام مصر در تحولات اخیر این کشور". (با تمرکز بر دیدگاه های آقای قطب و حمید ابوزید، ۹- ترنر (۲۰۱۶) در کتاب «اندیشه دینی و ریشه های جهاد جهانی: سلفی گری» جهادگرایی و نظم بین المللی «۱۰. سازندگان ووجه (۲۰۱۲) ( نویسنده آلمانی در کتاب خود با عنوان «جهاد آرام: ایدئولوژی و تأثیر ابومحمد مقدسی» به بررسی آراء و اندیشه های سید قطب می پردازد.

### ۲- تاریخچه جریان سلفیون جهادی

کلمه «بنیادگرا» از کلمه لاتین «بنیاد» گرفته شده است. این اصطلاح اولین بار در دهه ۲۰۰۰ در ایالات متحده ابداع شد. او به گروهی از پروتستان ها اشاره کرد که بین سال های ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۲ مجموعه ای از جزوه ها را به نام Primary منتشر کردند (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۳۶)، با این استدلال که هدف واقعی مسیحیت این است. رستگاری روح انسان، نه تغییر، امر اجتماعی، که از طریق توضیح و تفسیر تحت اللفظی کتاب مقدس نیز قابل دستیابی است. «رستاخیز» و آموزه «تولد پدر یتیم» را از طریق منطق تحت اللفظی کتاب مقدس می باشد، آنها به سمت جامعه حرکت کردند. بر این اساس، دین را از تفاسیر، تفاسیر و تفسیرهای سنتی پدران کلیسا حذف کردند و شاید بتوان اصطلاح برزخ را در مورد آنها به کار برد. از آن زمان، اصطلاح اصولگرایی در راستای تفکر احزاب و گروه‌های مختلف، تعبیری متناسب با اراده فکری و سیاسی آن گروه‌ها پیدا کرد. برای مثال محافظه کاران از اصطلاح بنیادگرایی برای یکسان دانستن بیگانه هراسی غیرمنطقی با نظامی گری و افراط گرایی استفاده کردند و لیبرال ها آن را به معنای افراط گرایی، تعصب و سنت گرایی در نظر گرفتند. تعبیر رادیکال اصطلاح بنیادگرایی مبتنی بر تصویر تعصب، لجاجت مذهبی و انفعال سیاسی است که به عقاید پیشینیان گرایش دارند و علم، تاریخ، نوسازی عصر روشنگری و انقلاب صنعتی را رد می کنند (صاحبی، ۱۳۷۰: ۳۶).

بنابراین، اصطلاح بنیادگرایی، که در ابتدا با جنبش‌های پوسته‌ای در تاریخ مسیحیت و کاتولیک همراه بود، بیشتر در اصطلاح پروتستان به معنای حفظ باورهای سنتی مسیحی بر اساس متون کتاب مقدس و کتاب مقدس استفاده می‌شد. با اکثر امور و پدیده‌های جدید در تضاد است. به عبارت دیگر اصولگرایی یا اصولگرایی می‌خواهد با همان سادگی و خلوص اولی به اصول و مبانی اولیه بازگردد و فاقد دید مثبت، اجتهادی، انقلابی و مدرن است (صاحبی، ۱۳۷۰: ۴۹).

در یک نگاه، بنیادگرایان پروتستان آمریکایی انعطاف ناپذیرند و با هجوم مدرنیسم و لیبرالیسم مخالفند. جنبش به دنبال دفاع از شکل خاصی از رفتار دینی موروثی بر اساس ایمان خشک و مطلق و درک بنیادگرایانه از ایمان پروتستانی بود (مطهری، ۱۳۶۶: ۳۷).

## ۱-۲- جریان‌های بنیادگرایی اسلامی

در بین اصولگرایان جریان‌های معتدل و خشن وجود دارد. آغاز تسلط این جریان بر اندیشه اسلامی به دهه هفتاد برمی‌گردد. اما در مورد ماهیت آن و دلایل پیدایش این هژمونی در بین اندیشمندان نظرات متضادی وجود دارد. جان اسپوزیتو دهه هفتاد قرن گذشته را دهه‌ای برای شکل‌گیری بازیگرانی در جهان اسلام می‌داند که برخلاف بازیگران مسلمان پیشین، منشأ فعالیت و زایش دوباره اندیشه‌های نو بودند. وی ظهور این جریان‌ها را در ناکارآمدی سایر ایدئولوژی‌های جهان اسلام می‌داند و آنها را گروه‌های طرفدار مشارکت سیاسی، البته از نوع خاص و با رویکردی متفاوت می‌داند، زیرا معتقد است این جریان‌ها مانند نوآندیشان سیاسی در انطباق. مفاهیم آنها رویکرد اصلاح طلبانه به غرب را دنبال نمی‌کنند و برای کسب قدرت سیاسی از روش‌های کاملاً اسلامی استفاده می‌کنند (اسپوزیتو، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۳). از نظر دکماجیان، بنیادگرایی به دنبال مبانی و مبانی دین اسلامی است و سکولاریسم را انحراف از اصل و هنجار می‌داند و بازگشت به جامعه را برای اولین بار پیامبر و خلفای صالح مطرح می‌کند. (دکماجیان، ۱۳۹۰: ۲۱-۴۰). اندرو هیوود معتقد است که بنیادگرایان بر خلاف اسلام ارتدوکس که هدف اصلی آنها زندگی بر اساس کتاب مقدس است، از متون حمایت عملی کرده‌اند تا کتاب را به یک طرح دینی-سیاسی و این نظام سیاسی تقلیل دهند. ساختار اجتماعی ضد عقلانیت، ضد مدرن، ضد لیبرال، خطاناپذیر، خشن، جزمی، انحصاری و استبدادی است. (هی-وود، ۱۳۷۹: ۴۹۵-۴۹۶). افرادی مانند بوگز، اسلام را به عنوان اندیشه دینی از اسلام‌گرایی و اسلام‌گرایی را به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی که به دنبال ایجاد مجموعه‌ای از مفروضات اجتماعی و سیاسی است که به طور منطقی از فلسفه تاریخ استنباط می‌شود، متمایز کرده‌اند (Boggs, ۱۹۸۶: ۲۱). از سوی دیگر، بابی سعید اسلام‌گرایی را گفتمانی می‌داند که القاعده آن را به ایدئولوژی تبدیل کرده است. (سعید، ۱۳۸۲: ۳۳). به طور کلی ذکر دو نکته ضروری است؛ اولاً اصولگرایی پدیده جدیدی نیست و ثانیاً نمی‌توان همه شاخه‌های اصولگرایی را یک کل منسجم دانست و بین گرایش‌های مختلف آن تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد.

وینچنزو اولیوتی به وجود اصولگرایان گوناگون معتقد است و آنها را طبقه بندی نمی‌کند. جریان را به دو دسته سلفی - وهابی و اخوان تقسیم می‌کند و در عین حال سلفی - وهابی را به دو دسته محافظه کار و تندرو تقسیم می‌کند (Oliveti, ۲۰۰۲: ۱۲-۱۴).

به طور کلی، بر اساس سیر تاریخی، نوشته های سید قطب یا زندگی فکری او به سه دوره تقسیم می شود؛

۱. اولین دوره دهه ۱۹۳۰ است که در آن منتقد ادبی بود. قطب بیشتر آثار ادبی و انتقادی خود را نوشت.

۲. رویکرد سکولار اسلامی (۱۹۳۵-۱۹۴۶): در این دوره، سید قطب طرفدار کسانی شد که برای اثبات معنویت و معنویت شرق در برابر مادی گرایی غرب مانند احمد امین تلاش می کردند.

۳- اسلام گرایی معتدل (۱۹۴۶-۱۹۵۶): در سال ۱۹۴۶ سید قطب مقاله «مکتب الخط عربی»، اولین مقاله ایدئولوژیک اسلامی و اولین و مهم ترین اثر ایدئولوژیک اسلامی خود را به نام «کتاب عدالت اجتماعی در اسلام» منتشر کرد. سفر به آمریکا (۱۹۴۸) (نشریه الاهرام (۱۷ مه ۱۹۳۴) ص ۱۷).

۴- مرحله رادیکال اسلامی (۶۶ - ۱۹۵۶): سید قطب بیشتر این دوران را در زندان و بیشتر روزهای زندان را در بیمارستان زندان گذراند.

از نظر سید قطب، نقطه آغاز دعوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با تأکید بر اصل «لا اله الا الله»، هستی شناسی اسلام را تشکیل می دهد (قطب، ۱۳۷۸: ۲۶). او معتقد است که اگر اسلام اولین گام های خود را به عنوان یک مدافع قومی، اجتماعی، اخلاقی برمی داشت یا در کنار این هستی شناسی پرچم دیگری را برافراشته می کرد، نمی توانست یک حرکت ناب باشد. (همان، ۳۶). از این رو توحید را مهمترین امتیاز اسلام معرفی کرد (قطب، ۱۳۴۵: ۱۲) سید قطب در توضیح هستی شناسی اسلامی می گوید: دین اسلام یک حکم است و آن الوهیت است (قطب، ۱۳۷۸: ۳۷). دیدگاه اسلام بر این اساس شکل می گیرد که تمام هستی مخلوق خداست و جهان همیشه محکوم و کاملاً تسلیم اراده هایی است که آن را برنامه ریزی می کند، نیرویی که آن را به حرکت در می آورد و قانونی که آن را هماهنگ می کند. (قطب، ۱۳۷۸: ۱۲۸) از این رو، اصل «توحید» منشأ پیوند رویکرد سید قطب با هستی شناسی اسلامی است. وی در تعریف ایمان، جهاد، تمدن و جامعه، این قاعده را در گستره علمی خود گسترش داد. در ادامه این بحث، سید قطب علم حاصل از تداوم عرف الهی در یک جامعه را بیان کرد که به اصل «وحدت افعالی» در میان متکلمان برمی گردد.

خداوند برای هماهنگ ساختن حیات اختیاری انسان با حیات طبیعی او، شریعت را نهاده است و از این رو، شریعت بخشی از همان شرافت کلی الهی است که بر خلقت انسان و خلقت کل هستی حاکم است (قطب، ۱۳۷۸: ۱۳۰). سید قطب بر اساس دین اسلام هستی از گروهی پاک سخن گفت که با خلق نسل بی بدیل قرآن، صحابه با تکیه بر قرآن حرکت عظیم اجتماعی خود را آغاز کردند. جامعه و تمدن اسلامی بسازد.

#### ۴- بررسی تأثیر اندیشه های سید قطب بر سلفیون جهادی

در جوامعی که تفاوت های زبانی، نژادی، قومی و مذهبی وجود دارد، تضادهای هویتی بارزتر است. مهمترین عامل خشونت هویتی، درگیری های قومی داخلی، اقلیت ها یا ادعاهای مذهبی و برتری ایدئولوژیک است. این گونه درگیری ها خشن ترین و رایج ترین نوع تقابل با هویت است و با توجه به بعد انگیزشی هویت باید گفت که تلاش برخی گروه ها و جریان های مذهبی جهان اسلام مانند جریان های سلفی-جهادی برای بازگرداندن هویت اسلامی با یکدیگر پیوند خورده اند. با رویارویی جهان غرب با جهان اسلام. تسلط مدرنیته بر جوامع مسلمان و پیامدهای آن،

عقب ماندگی کشورهای مسلمان نسبت به دنیای مدرن غرب و احساس ضعف و ناامیدی از سوی گروهی از مسلمانان، آنان را بر آن داشت تا با تکیه بر جهاد هویت خود را بازیابند. به راستی که گروهی با فرهنگ و تمدن دیگر و گاه در تضاد با فرهنگ اسلامی بر آنان مسلط شده و بر همه امور آنان مسلط شده اند، امری است که آنان را به شدت آزار می دهد. (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). برای بررسی رابطه جریانات سلفی-جهادی، سید قطب، حداقل از دو روش می توان استفاده کرد. اول: نحوه تعریف پیشنهادها، اصول و مفاهیم سید قطب و سپس جستجوی آثار این مفاهیم در میان سلفی - جهادی. در واقع این مسیری است که بسیاری طی کرده اند و با توجه به پیش فرض ها، دیدگاه های التقاطی و ابهاماتی که در زبان دو طرف وجود دارد، گاه به نتایج متفاوت و حتی متضاد و گاه کلی دست می یابند. اما راه دیگر جستجوی علنی برای ارجاع مستقیم به جریانات سلفی-جهادی سید قطب است. به نظر می رسد که این روش می تواند ما را به یک نتیجه گیری نسبتاً ساده و بدون هیچ اشکال آشکاری در مورد این موضوع برساند و همچنین می تواند به رفع برخی از گره های این موضوع کمک کند. در این فصل به دنبال بررسی و تبیین تأثیرات اندیشه های سید قطب الدین بر جریان سلفی - جهادی بودیم.

#### ۱-۴- تفکر جهادی سید قطب

همانطور که قبلاً ذکر شد؛ سید قطب یکی از چهره های تأثیرگذار در شکل گیری جریان های سلفی - جهادی است. افکار و اندیشه های او نقش بسیار مهمی در شناسایی یا بازیابی جریان های هویتی سلفی-جهادی ایفا کرد. اصلی در اندیشه سید قطب، جهاد به مثابه انقلابی مستمر در جهان اسلام در برقراری چیزی است که او آن را حکومت خدا بر اساس اصول جهانی می نامد. اسلامگرایان نظم جدیدی را برای جهان متصور هستند. این مبنای درک اسلام گرایان از شریعت اصلاح شده است و هدف آن جایگزینی نظام سکولار و ستغالیایی با نظام اسلامی است. این دنیای جدید با اسلام آغاز شد و مبتنی بر دینداری سیاست است (Tibi, ۲۰۰۸: ۱۳) سید قطب مهمترین اندیشه های جهادی خود را در کتاب (معلمی در راه) بیان کرده است و این کتاب دارای ویژگی های منحصر به فردی است. در ادامه سعی شده است به مهمترین ارکان ایدئولوژی جهادی سید قطب پرداخته شود. به گفته سید قطب، «جامعه اسلامی تنها در عبادت خدا نیست، بلکه وظیفه خدمتگزاری حتی در نظم اجتماعی است، به عبارت دیگر، انسان نباید در حکم خدا دخالت کند، به وحدانیت خدا معتقد است. " دادن صفات و صفات خداوند به غیر خدا و آوردن دین حاکمیت که از این نظام شامل قوانین و ارزش ها و سنت ها و آداب و رسوم و تقریباً همه ارکان اساس زندگی است» (قطب، ۱۰۱: ۱۹۸۳) او اندیشه خوارج را از کفر ما وام می گیرد. به گفته قطب، در سرزمینی که برنامه یا قانون اسلامی بر آن حاکم نباشد، دین اسلامی وجود ندارد. اگر جهل در تعیین قطب عبادت مردم نسبت به مردم در تشریح و در اموری است که خداوند اجازه نداده است، پس جامعه اسلامی یا جامعه اسلامی چیست؟

به گفته سید قطب، «جامعه اسلامی جامعه ای است که اسلام در آن در اعتقاد، عبادت، تشریح، حکومت و رفتار به کار گرفته شود و عمل شود» (قطب، ۱۱۶: ۱۹۸۳) یا اینکه «جامعه ای که اسلام و قوانین آن را به طور کامل برای زندگی انتخاب کند» (قطب، ۱۹۳: ۱۹۹۲).

سید قطب می گوید: «همه انسانها نیازمندند و ما نمی توانیم از این نیاز غافل شویم» (قطب، ۱۹۹۳: ۱۱)، ما مأموریت بزرگی برای بشریت داریم و ملت برگزیده واقعی خداوند هستیم.

#### ۲-۴- تقسیم حکومت به دارالاسلام و دارالحرب

سید قطب معتقد است که اسلام تنها یک سرا است و آن سرای است که در آن حکومت اسلامی برپا شود و قانون خدا و حدود الهی حاکم شود و مسلمانان دوست و یاور یکدیگرند. سید قطب معتقد به ضرورت ایجاد جامعه ای است که در آن همه اصول و دستورات اسلام اجرا شود و فقط قانون و حکم خدا و قاضی کافی باشد.

غیر از دارالحرب یا جامعه جاهلی، جوامع دیگری نیز وجود دارد و همه به قول سید قطب، جوامع بشری هستند به جز جامعه اسلامی، به عبارت دیگر، جوامعی هستند که عبادت آنها منحصر به خدای یگانه نیست. او در کامنت خود می گوید:

«جامعه ای که احکام و احکام خدا در آن اجرا نمی شود و حکومت به معنای واقعی کلمه اسلام نیست و فقط خدا را می پرستند جامعه جاهلی است و رابطه مسلمانان با آن یا جنگ است یا جنگ. صلح بر اساس پس انداز و دریافت خراج» (فاطمی نژاد، ۱۳۹۲: ۳۵). بر این اساس، مبانی عقیدتی و مبانی سید قطب را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

سیستم اجتماعی غیراسلامی، سیستم جاهلیت است؛

- ۱- وظیفه یک مسلمان مؤمن است که اسلام را با دعوت و جهاد برای تغییر جامعه جاهلانه احیا کند.
- ۲- مسئولیت تبدیل جامعه جاهلی به جامعه اسلامی بر عهده مسلمانان پیشگام و مخلص است..
- ۳- اینک هدف نهایی برپایی حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه بر روی زمین است تا همه گناهان و دردها و مصائب انسان را برطرف کند. (فاطمی نژاد، ۱۳۹۲: ۳۷) در همین راستا، عبدالسلام فرج به عنوان یکی از شخصیت های برجسته جریان سلفی - جهادی و سازمان جهاد در مصر بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی تاکید کرد و از همه مسلمانان خواست تا نهایت تلاش خود را برای تشکیل حکومت اسلامی به کار گیرند. حکومت اسلامی . وی حکومت های مستقر در کشورهای اسلامی را نه تنها اسلامی نمی دانست، بلکه معتقد بود که آنها تحت کنترل غرب هستند و اصول و مبانی اسلام را با ارزش های مورد تایید غرب جایگزین کردند. از این رو فرج این حکومت ها را منع کرد و از همه مسلمانان خواست که برای سرنگونی این حکومت ها دست به اسلحه بردارند و با ظالمان و ظالمان مبارزه کنند. گروه جهاد دشمنان را به دو دسته دشمنان نزدیک یعنی حکومت های اسلامی و دشمنان دور که غرب و صهیونیسم هستند تقسیم کردند و معتقد بودند تا زمانی که کشورهای اسلامی از درون اصلاح نشوند، نمی توانند با کفار خارجی مبارزه کنند. بنابراین طبق گفته سازمان جهاد، اولویت باید سرنگونی حکومت هایی باشد که به نام اسلام بر کشورهای اسلامی حکومت می کنند، اما در واقع به هیچ یک از دستورات اسلامی عمل نمی کنند و احکام اسلامی را اجرا نمی کنند. (فرج، ۱۹۸۱: ۱۵-۱۸) از این رو، می بینیم که اندیشه های سید قطب الدین چگونه بر سلفی-جهادیان تأثیر بسزایی داشته است.

##### ۵-تأثیر اندیشه های تکفیری سید قطب بر گروه های سلفیون جهادی

آنچه در روش کفار کفر ابن تیمیه در تاریخ اسلام رخ داد، همواره در عقاید فقها، حاکمان، گروه های مختلف و فرقه های مختلف اسلامی در جنگ با یکدیگر از این ابزارها علیه یکدیگر استفاده می کردند.

این فرقه ها در زمان جنگ با خلیفه مسلمین از این ابزار استفاده می کردند و برای انسجام بیشتر میان پیروان خود، مبارزه سیاسی خود را به مبارزه ایدئولوژیک تبدیل می کردند.

اما در تاریخ اسلام تنها فردی که توانست در این زمینه (تکفیر) نظریه پردازی کند و مبانی نظری آن را تدوین کند.

ابن تیمیه روزهای فتح ویرانگر و فروپاشی خلافت عباسی را سپری کرد و این بحران‌ها شرایط جدیدی را ایجاد کرد که در جامعه اسلامی بی‌سابقه بود و پیشنهاد باز تفسیر آن را داد. این برداشت‌ها زمینه را برای اعمال آن توسط پیروان حنبلی، به ویژه وهابی‌ها فراهم کرد.

در تاریخ معاصر، میان وهابیان که این تیمیه را پایه و اساس پایه‌های خود می‌دانند و منبع تغذیه گروه‌های بنیادگرای خشن می‌دانند، تفاوت وجود دارد.

«حکومت اسلامی که توسط حسن البنادر دهه در قرن بیستم آغاز شد، در نیمه دوم دهه پنجاه قرن گذشته توسط قطب‌القطب سرنگون شد. دولت اسلامی حسن البنادر را باید با اسامی مستعار مانند دولت مذهبی یا دولت مذهبی نامید» (بلقزیز، ۱۹۱: ۲۰۰۴).

حسن البنا و شاگردانش، اصل دین و شناخت اسلام به عنوان یک حکومت، مانع از ورود به رقابت‌های سیاسی و تعامل مثبت با حکومت مدرن نشد و دولت با این جمله که: «سیاست و قدرت نمی‌تواند، چیزی جز توجیه نمی‌یابد. دیگر وجود دارد مگر در رابطه با جامعه جاهلی». برای اینکه اسلام در عین حال دین و دولت باشد، مسلمانان نمی‌توانند در جایی باشند که نظام حاکم به چیز دیگری غیر از دین وابسته باشد، زیرا وقتی قانونی بر وجدان انسان حاکم باشد و قانون دیگری بر فعالیت او حاکم باشد، دچار آسیب می‌شود (قطب، ۱۹۹۲: ۱۶).

«سید قطب مردم را مبنای مشروعیت، حق آزادی و حق انتخاب می‌داند و به حامیان خود افسانه می‌دهد.» (قطب، ۱۹۹۳: ۱۱).

سید قطب را به درستی می‌توان آغازگر موج دوم جنبش اخوان المسلمین دانست که با صداها، عقاید و عقاید خود جریان رادیکالیزاسیون را توانمند ساخت و زمینه را برای برداشت‌های افراطی پس از خود فراهم کرد.

طارق البشیری می‌گوید: پایه‌های اندیشه سید قطب در تشکیلات ویژه ای است که اخوان المسلمین در دهه ۱۹۴۰ با اهداف امنیتی برای جلوگیری و حمایت از سازمان سیاسی از سرکوب حکومت تأسیس کرد. او همچنین از فعالیت‌های سیاسی قانونی اخوان فاصله گرفت» (البشیری، ۳۳: ۱۹۹۶). بین اندیشه البنادر و اندیشه قطب فاصله زیادی وجود دارد، تا آنجا که نمی‌توان این شکاف را تا آنجا پیوند داد که می‌دانست این عصر را می‌توان درک کرد، اما اندیشه سید قطب تفکر اختلاف است. فکر یعنی طرد دیگران است. حسن البنادر در ذهنش خاک می‌کارد، دانه می‌کارد، درختی را آبیاری می‌کند، خورشید و باد می‌وزد، اما ستون در ذهنش قلعه می‌کند و قلعه‌هایی با دیوارهای بلند و برج‌های بلند می‌سازد. واقعیت سیاسی تصویب شد و قانون اساسی و روش‌های دموکراتیک نمایندگی پذیرفته شد، اما قطب میراث اصلاح‌طلبی اخوان، یعنی طلاق و تقبیح واقعیت سیاسی کاملاً کنار گذاشته شد» (البشیری: ۳۳).

#### ۶- جریان‌های متأثر از سید قطب

اولین هسته‌های جریان موسوم به «قطب» در میان جوانان اسلام‌گرا مصری در دهه پنجاه و شصت قرن گذشته شکل گرفت که به اتهام ارتباط با گروه‌های تروریستی در زندان قناطر دستگیر شدند. اینها متأثر از اندیشه‌های سید قطب بودند و جامعه خود را در جاهلیت می‌شمردند و مردم و حاکمان حاکم بر جوامع اسلامی از جمله مصر و کفار را به عدم رعایت و اجرای شریعت محکوم می‌کردند. به تدریج گروه‌های متعددی تحت تأثیر اندیشه‌های سید قطب در همان زمان شکل گرفت که مهمترین آنها عبارتند از:



گروه کفار و هجرت پس از آنکه گروهی از مسلمانان تندرو در این قاره شیخ محمد حسین الذهبی، وزیر سابق اوقاف و الازهر را در جولای ۱۹۷۷ ربودند و ترور کردند، رسانه های مصری گروه کفار و هجرت نامیدند. تعریف ساده ای برای این عبارت وجود ندارد، اما معنای آن روشن است: «گروهی که مسلمانان [ظاهرا و خائناً] را به کفر متهم می کنند» (تکفیر) و مسلمانان [واقعی] را به ترک سرزمین الحاد دعوت می کنند. مصر امروز به «الهجره» (هجرت) اشاره می کند، اما این نامی نبود که گروه برای خود انتخاب کرد. نامی که مقامات مصری برای این گروه انتخاب کردند، توجه عموم را به دو اصل این گروه جلب کرد که کمتر مورد توجه مردم مصر بود: مسلمانان واقعی باید به جوامع سیاسی تحت سلطه مسلمانان مهاجرت کنند و از جو کفر مصری ها فرار کنند. سکولار دور است و کسانی که با قرآن زندگی نمی کنند مسلمان نیستند بلکه کافر هستند.

رهبری این گروه را شکری احمد مصطفی (متولد ۱۹۴۲) بر عهده داشت که در ۲۹ مارس ۱۹۷۸ با عاملان واقعی ترور شیخ الذهبی اعدام شد. آموزه های شکری بر این فرض استوار بود که همه جوامع امروزی غیراسلامی هستند. و فقط اعضای این گروه مسلمان واقعی هستند و باید نظام فقهی سنتی اسلام را رد کرد، زیرا کلام خدا نیست، بلکه ساخته بشر است: «ما سخنان منسوب به معاصران پیامبر و عقاید را نمی پذیریم. فقها اجماع علمای پیشین و اجماع و عقاید دیگر مانند قیاس را نمی پذیریم چگونه سخنان فانی پاک می تواند مایه هدایت الهی باشد؟» (ابوالخیر، ۱۹۸۰: ۱۳۹).

این گونه اقوال حاکی از رد تقریباً کامل فقه و احادیث و در نتیجه نفی اسلام، به استثنای قرآن است. شکری حتی در دادگاه تاکید کرد که مطمئن نیست قرآن بدون اشتباه منتقل شده است. شکری آنچه را که در مورد تاریخ اسلام شناخته شده است، به عنوان «داستان های مشکوک به اصالت» توصیف کرد. تفاوت این نظریه ها با آموزه های مسلمانان بنیادگرای امروزی که به دنبال اجرای کامل قوانین سنتی اسلامی در زندگی عمومی و خصوصی هستند، نمی تواند بیشتر باشد. در واقع، این جنبش با جنبش های سنتی تر بنیادگرای اسلامی در دهه های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۷۰ تفاوت اساسی داشت. در حالی که جریان اصلی اسلام افراطی خواستار اجرای کامل قوانین اسلامی و به هر قیمتی شد، جنبش شکری خواستار کنار گذاشتن قوانین اسلامی به شکل سنتی آن شد.

اصولگرایان مانند جنبش شکری واکنشی طبیعی به سیاست جدایی دین از سیاست نخبگان حاکم در جهان اسلام بودند. بنیادگرایان اسلامی مانند شکری و پیروانش در پی آن هستند که قدرت دولت مدرن را در دست بهترین و شایسته ترین مسلمانان قرار دهند. این دل مشغولی به قدرت حکومت، آن را از نظر مقامات به شدت خطرناک می کرد. اما در بررسی قبلی، روشن است که شکری مصطفی [به دلیل آگاهی و عمل ویژه ای که به آموزه های دینی داشت] هرگز برای توده ها پیروانی پیدا نکرد و تأمل و هجرت به جای یک جنبش احیاگر واقعی، نماینده یک فرقه بود.

## ۲-۶-تأثیر اندیشه های سید قطب بر جماعت التکفیر و الهجره

دو سنگ بنای اندیشه های او کفار و هجرت است. بر این اساس، هر کس مرتکب گناه کبیره شود و بر آن اصرار ورزیده و توبه نکند، کافر است و هر کس که «ما انا الله تعالی» را قضاوت نکند و از او راضی باشد و در برابر او ساکت باشد. کافر محسوب می شود. آنها همچنین فردی را که عقاید خود را به او ارائه می کنند و نمی پذیرند و به گله خود نمی پیوندند کافر می دانند. دوران اسلامی بعد از قرن چهارم هجری را عصر کفر و جاهلیت می دانند. از طرفی مهاجرت که به معنای انزوا از جامعه جاهلی است برای آنها جاری است و از نظر آنها همه جوامع امروزی جاهل

هستند و باید انزوای فضایی و فکری و فکری از آنها انتخاب شود. لازم به ذکر است که بازماندگان این گروه پس از سالها فشار و تحرکات در صحرای سینا همچنان فعال هستند (رأفت، ۱۹۹۱: ۱۰۹-۵۳).

### ۳-۶-جماعت اخوان المسلمین

اخوان المسلمین نام یک جنبش سیاسی اجتماعی است که در سال ۱۹۲۸ به وقوع پیوست و توسط حسن البنا در اسماعیلیه مصر تأسیس شد. اگرچه این جنبش یک سازمان مصری است، اما ماهیت و ماهیت آن که مبتنی بر یک جهان، یک ملت و حاکمیت الهی بود، آن را به انگیزه فراملی در مقیاس منطقه ای و جهانی تبدیل کرد. اخوان برای رسیدن به هدف نهایی خود قلمرویی را در جغرافیای سیاسی جهان اسلام ایجاد کرد و در اواخر دهه ۱۹۳۰ با اسلام گرایان جهان عرب و اسلام ارتباط برقرار کرد. در این مطالعه فرا تحلیلی، اطلاعات از منابع مکتوب و از اینترنت جمع آوری شده است. وی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه علت منطقه ای شدن اخوان المسلمین در جغرافیای سیاسی جهان اسلام چیست، این امر را می توان در باورهای عقیدتی این جریان اسلامی برای بیداری امت اسلامی و دفاع از عظمت اسلام و مسلمین جستجو کرد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که فروپاشی خلافت عثمانی، تسلط استعماری کشورهای اسلامی، ظلم آنها به مسلمانان، استقرار رژیم صهیونیستی و استبداد سیاسی در کشورهای اسلامی از جمله عواملی است که اخوان المسلمین را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. آن را به آنها. شما به اوضاع آشفتنه جهان اسلام پاسخ داده اید.

### ۴-۶-تأثیر عبدالله عزام از تفکرات سید قطب

اگر بخواهیم جهاد افغانستان به ویژه اعراب افغانستان را سرآغاز جهاد سلفی بدانیم، بدون شک نقش انکارناپذیر عبدالله عزام در رهبری و الهام بخشیدن به این جنبش نمایان خواهد شد. در واقع عبدالله عزام را با نفوذترین رهبر مجاهدین خارجی یا اعراب افغانستان در افغانستان می دانند و اوست که اسامه بن لادن را به جهان افغانستان آورده است. بنابراین خوب به نظر می رسد که با عبدالله عزام شروع کنیم. (محمد ریاض الملّه، ۱۳۷۸: ۱۷۵). او به سید قطب وفاداری خاصی داشت و درباره او کتاب غول اندیشه اسلامی (شهید سید قطب) را نوشت و در پیشاور منتشر کرد و گفت: «هرکس وارد افغانستان شود تأثیر عمیق اندیشه های سید را در جهاد اسلامی می بیند. و در مورد این نسل.. اگر اسلحه نداشته باشد از تو نمی خواهد.» اسلحه، اما کتاب های سید قطب را می خواهد.. اعظم ادامه می دهد: او نام سید قطب را دارد. زیبایی این است که استاد بزرگ ما در جهاد فلسطین، صلاح حسن، در حال برنامه ریزی برای عملیاتی در فلسطین به نام سید قطب بود، اما شگفتی این بود که در ۸ مرداد در همان شبی که انجام شد به شهادت رسید. استاد عبدالله عزام، غول اندیشه اسلامی (شهید سید قطب).

عبدالله عزام نیز در این رساله کوشیده است تا اشتراکات سید قطب و ابن تیمیه را برجسته کند (همانجا). عزام نتیجه می گیرد: سید قطب باز شد، سید قطب مرا از نظر فکری، ابن تیمیه، از نظر معنوی، ابن قیم را هدایت کرد، و نووی مرا در فقه راهنمایی کرد، این چهار نفر هستند که عمیق تر از دیگران بر زندگی من تأثیر گذاشتند (محمد ریاض الملّه، ۱۳۷۸: ۱۷۵).

بن لادن که در جوانی به عضویت اخوان در مدینه درآمد بود، در دوران تشکیل القاعده هنوز در دست سید قطب بود و در اظهاراتش از او یاد می کرد. در سال های مختلف، پایان نامه هایی در قالب دیدگاه های جهادی نزدیک به القاعده نوشته می شد که در واقع بن لادن و سازمان او را تجسم عملی دیدگاه های سید قطب می دانستند (المصری، ۱۴۳۰: ۱). از جمله این پیام ها «نقاط ارتباطی شهید سید قطب با شیخ برجسته اسامه بن لادن» نوشته «ابو احمد عبدالرحمن المصری» است. این پیام در سال ۱۴۳۰ توسط «مبشر التوحید والجهاد»، نهادی که مسئول انتشار اقدامات جهادگران نزدیک به القاعده بود، منتشر شد که توسط ابومحمد مقدسی مدیریت و توسط مقدسی ارائه شد. در همان سال مقاله دیگری با عنوان «نهضت اسلامی بین مجاهد شیخ سید قطب و مجاهد شیخ اسامه بن لادن (شاگردان هلا)» به قلم ابو حجر الیبی نوشته ابو احمد عبدالرحمن آل. المصری نویسنده پیام قبلی است. این نامه مشابه تر قبلی است و تلاش می شود بن لادن و سازمان او را نمونه ای از سید قطب بدانند.

#### ۷-۶-تأثیر بو محمد المقدسی از اندیشه های سید قطب

شکی نیست که رابطه ابومحمد مقدسی به عنوان یکی از ایدئولوگ های سلفی گری جهادی با سید قطب با رابطه ای که عبدالله عزام بین او و سید قطب برقرار کرد، نیست. اگرچه برخی از تحلیل گران رویکردهای مقدسی را به سید قطب نسبت می دهند، اما به نظر می رسد این گونه تحلیل ها را باید به «یک کاسه» و «می با چوب» نیز تعبیر کرد. زیرا با کمی دقت در می یابیم که رابطه ابومحمد مقدسی و سید قطب کمی پیچیده تر است. این موضوع به ویژه در رواج تر مقدسی به نام «ملا ابراهیم» در میان جهادگران به ویژه در افغانستان و مقایسه آن با «معلم» سید قطب نمایان است. مقدسی و سید قطب می گوید که سید قطب تأثیر مستقیمی بر تکفیری ها و جهادگران افغانستان نداشت، بلکه تأثیر مستقیمی بر مقدسی داشت و این مقدسی بود که سید قطب را به سلفی معرفی کرد. البته این گفته با سخنان عبدالله عزام و سخنان خود مقدسی در تضاد است. به نظر می رسد در یک تحلیل کلی از رابطه مقدسی و سید قطب، بهتر است به گفتمان این دو در جهاد افغانستان و رقابت های بعدی نگاه کنیم تا در رابطه ارگانیک و در قالب مقدسی. نفوذ سید قطب، آن دوره در کویت بود و رویکردهای سلفی او بر رویکردهای جهادی او غلبه داشت و در این کتاب ضمن دفاع از داویش، اشتباهات سید را نیز گوشزد کرد و نسخه ای از نوشته های او را برای الدویش و محمد فرستاد. قطب، داویش از سید قطب منتقد بسیار تمجید می کند و حتی خواب عجیبی را که در مورد او دیده است نقل می کند، هرچند بعداً گفته است که برخی از سخنان او درباره سید قطب در کتاب المیزان آمده است. المطلب بسیار جدی بود زیرا آن را در آن دوره نوشت و به شدت تحت تأثیر سلفیان سنتی بود، اگرچه بعدها در اصالت کتاب خود تجدید نظر نکرد، اما آنچه را که می توان بی احترامی به «مرد بزرگی چون سید» تلقی کرد تجدید نظر کرد. (المصری، ۱۴۳۰: ۱). البته ابومحمد مقدسی در جوانی آثار سید قطب را به دست سید یوسف عید در کویت فراگرفته بود. یکی از نقدهای مقدس سید قطب، شیخ معرفی اقالی است که دلالت بر وحدت وجود دارد. (المصری، ۱۴۳۰: ۱).

#### ۸-۶-الظواهری و نگاه تاریخی سید قطب

رهبر فعلی القاعده، ایمن الظواهری، شاید قطبی ترین رهبر جنبش جهادی باشد. او به اطلاق سید قطب به عنوان سیدالشهدا بسنده نمی کند، بلکه او و گروه اطرافش را اولین هسته جهادی می داند که از آن به عنوان جهاد با دشمن نزدیک یاد می شود. (الظواهری، ۱۴۳۱: ۱۰). الظواهری در سخنرانی های مختلف خود، به ویژه در نگاه خود به تاریخ

اولیه اسلام، تأثیر رویکردهای نزدیک به سید قطب، به ویژه کتاب «عدالت اجتماعی» را نشان داده است. این امر در برخی از سخنان الظواهری مانند بیانیه وی با عنوان «شرق آفریقا، جنوب اسلام» نیز مشهود است. و در این بیان می فرماید: مسلمانان به دلیل تنزل یافتن از طریق پادشاهی تاریک بر اساس سلب حق مشورت مسلمانان و بر اساس ظلم و بی عدالتی و تعدی به مقدسات و نهی از امر به معروف، به پادشاهی بایر افتادند. و نهی از منکر را روایت می کنند.

#### ۹-۶- تأثیر اندیشه های سید قطب بر گروه جهادی داعش

علمای سلفی جهادی به خوبی از تفاوت های داعش و القاعده آگاه هستند. اتفاقاً جهاتی از این اختلاف بستگی به میزان وابستگی این دو جریان به سید قطب یا ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب دارد. چشم انداز تاریخی که در سطور قبل به آن اشاره شد شاید یکی از این جنبه ها باشد. در حالی که ایمن الظواهری به عنوان یکی از رهبران القاعده، دولت اسلامی در عراق و شام را نمونه ای از پادشاه اعضای خود می داند و در کنار دیدگاه انتقادی سید قطب و برخلاف نظر تاریخی، مقایسه می کند. ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، خلافت بغدادی با امارت حجاج بن یوسف ثقفی، و خود مورخ ندارد خلافت بنی امیه و بنی عباس را نامشروع می دانند، بلکه حکام و خلیفه. این دو دوره الگویی برای آنها محسوب می شود. به عنوان مثال، ابو عمر البغدادی امیر گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) که در یکی از اظهارات صوتی خود کشته شد، دولت بنی امیه با اشاره به قربانی شدن جاد بن درهم رئیس سرنگونی خالد قسری امیر کوفه، به اعضای حکومت اسلامی عراق توصیه کرد که اعضای بیداری را در عید سعید قربان قربانی کنند. قربان عهد هشام بن عبدالملک بر کافران ابو عمر البغدادی. در دوران خلافت، داعش بر اساس سنت خالد قسری در روز عید قربان چندین بار قربانیان خود را کشت و یکی از خشن ترین آنها قربانی شدن تعدادی از جوانان در «ولایت» بود. النخیر» در فیلم. «توهم صنعا» در تاریخ ذی الحجه ۱۴۳۷ اکران شد. در این فیلم یک داعشی با الگوبرداری از خالد القسری ظاهر می شود که در خطبه عید سعید فداکاری جعد گفت: «با این نشانه ها می توان گفت که رهبر القاعده پس از سید قطب، منتقد خلافت اموی است، اما مناجات او خلافت اموی را الگوی او می داند.

اما درگیری تاریخی بین داعش و القاعده به همین جا ختم نمی شود. تاریخچه درگیری وهابی ها با دولت عثمانی محل دیگر می تواند محل درگیری این دو جریان باشد. در حالی که القاعده حکومت عثمانی را نه تنها مشروع، بلکه نوعی خلافت می داند و فتوحات آن را حتی در برابر حکومت صفویه در قالب فتوحات اسلامی می بیند (سفیان المهاجر، شهر الفتوح ۱۰، البصیره) و صحیح را در درگیری وهابی با عثمانی به عثمانی می دهند (فلسطین، ابوقتاده، درباره کتاب وهابیت و دولت عثمانی)، اما دعایشان دولت عثمانی را مرتد و مشرک می داند. پیوند آن با عرفان دولت. (مؤسسه الوقار، حربہ ترکیا علی التوحید) و (ولایه الفرات، أمه واحده، رمضان ۱۴۳۸). در کار رسانه ای داعش و القاعده می توان دریافت که تقریباً هیچ علاقه ای به سید قطب وجود ندارد. با این حال، دستگاه تبلیغاتی سکولارهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، و احتمالاً مصر، رابطه نزدیکی بین سید قطب و ابوبکر البغدادی برقرار کرد (مثلاً «ریاض»: مرجع درخواست. (الأخیره)، السبت ۱۳ ذو القعدة ۱۴۳۸هـ - ۵ أغسطس ۲۰۱۷م - ۱۴ برج الأسد) اما علاقه به سید قطب در تولید رسانه ای داعش تقریباً وجود ندارد و نویسنده در دعوت نامه خود به غیر از برخی نوشته ها در حویجه نزدیک کرکوک از سید قطب یاد نکرده است. دولت اسلامی عراق و شام (داعش) هرگز سید قطب را رهبر ایدئولوژیک خود یا یکی از رهبران یا ایدئولوگ های خود در تولیدات رسانه ای خود ندانسته است، در حالی که القاعده و گروه های وابسته به آن بارها به سید قطب، کارهای او و او اشاره کرده اند. زندگی یکی از رهبران فکری آنها.

سید قطب خواسته یا ناخواسته بذر اسلام سیاسی را که در جهادگران جدید امروز کاشته می شود کاشت. او نزد علمای اسلام سیاسی به دلیل بررسی تأثیر برخی مفاهیم اسلامی بر تحولات اجتماعی و سیاسی مانند جهاد شناخته شده است. او را «معلم گفتمان تکفیری» در قرن بیستم می نامیدند. تفکر او به شدت بر ایدئولوژی جنبش ها و گروه های اسلامی تکفیری، جهادی و سلفی تأثیر گذاشته و نقش عمده ای در ایدئولوژی مفاهیم جهاد و تکفیر در جامعه جاهلی ایفا کرده است. اندیشه او به نوعی گفتمان بین گروه های جهادی تبدیل شد که با استقبال گسترده این گروه ها مواجه شد. اما مفهوم جاهلیت قبل از سید قطب و بعد از ابن تیمیه بوده و افرادی چون محمد بن عبدالوهاب، محمد عبده، رشید رضا و بعدها مودودی از آن استفاده کرده اند. اما امثال مودودی جوامع کمونیستی و غربی را تنها جاهل می دانستند و جوامع اسلامی را از این مفهوم خارج می کردند. سید قطب اولین کسی بود که جوامع اسلامی معاصر را وارد این مفهوم کرد. به همین دلیل است که امروز القاعده و دیگر گروه های افراطی مانند داعش دست به ترور مسلمانان زده اند. سؤال اصلی این مقاله این است که اندیشه سید قطب چه تأثیری بر سلفی - جهادی دارد؟ همچنین مفاهیم اساسی در اندیشه سید قطب چیست؟ این مقاله بر این فرض استوار است که اندیشه های سید قطب به عنوان منبع تغذیه گروه های سلفی-جهادی توسط برخی از متفکران اسلامی بازتولید شده و مبنای حرکت های افراطی سلفی-جهادی قرار گرفته است. او همچنین با استفاده از مفاهیمی مانند جهاد، جهل، اجتماع و ... اندیشه خود را توسعه داد.

### منابع و مأخذ

- اسپوزیتو، جان و جان وال (۱۳۸۹). *نهضت های اسلامی معاصر*، ترجمه شجاعی احمدوند، تهران، نشر نای.
- برومند، احمد (۱۳۹۰). بررسی بازتاب اندیشه های علمای اسلام مصر در تحولات اخیر این کشور (با تمرکز بر دیدگاه های سید قطب و حمید ابوزید)، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز شعبه تهران.
- بعلبکی، منیر (۱۹۸۰). *دائرة المعارف العربی (به عربی)*، بیروت: دارالعلم للملای.
- بنا، حسن (۱۳۷۰). *مجموعه الأصول الحسن البناء*، بیروت، قم: منشورات الادب.
- دکمجان، هرایر (۱۳۷۷)، *اسلام در انقلاب: جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)*، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۷). *سلفی گری (وهابیت) و پاسخگویی به شبهات*، قم: مسجد مقدس جمکران.
- سید قطب (۱۳۶۰). *مبارزه اسلام با سرمایه داری*، ترجمه سید محمد رادمنش، بجا، بنیاد علوم اسلامی.
- سید قطب (۱۳۷۹). *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه محمدعلی گرمی و سیدهادی خسروشاهی، تهران: طلوع طلوع.
- سید قطب (۱۳۸۹). *آینده در جهان اسلام*، ترجمه سید علی حسینی خامنه ای، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر اسلامی.

- سید قطب (۱۳۹۰). *علائم راه*، ترجمه محمود محمودی، تهران: انتشارات احسان.
- صاحبی، محمد جواد (۱۳۷۰). *اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- صالح و محمدمهدی. حامتی، فتحعلی (۱۳۹۷). «بررسی مفهوم حکومت اسلامی در اندیشه های سیاسی سید قطب»، *مجله مطالعات منافع ملی*، سال یازدهم، شماره ۳، صص ۸۶-۶۴.
- علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۶). *سلفیه و وهابیت*، قم: نشر ندای منجی.
- علیزاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۶). *کودتا: نقد مبانی فکری جریان های تکفیری با محوریت داعش*، قم: بوستان کتاب.
- عبدالفتاح خلدی، سید قطب (۱۳۸۰)، *سید قطب از ولادت تا شهادت*، ترجمه جلیل بهرامینا، تهران: انتشارات احسان.
- فاطمی نژاد، مجید (۱۳۹۲). «اندیشه های جهادی سید قطب»، *مجله سراج منیر*، شماره ۱۲، صص ۵۱-۳۱.
- موسوی، سید امیر (۱۳۹۶). «نقد آرای سید قطب در جاهلیت مسلمانان»، *مجله مردم شناسی دینی*، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ش ۱۴، ش ۳۷، صص ۱۸۱-۱۶۷.
- مهدی موسیوند (۱۳۹۲). تأثیر اندیشه سیاسی سلفی رادیکال بر ناامنی جهان اسلام با تمرکز بر خاورمیانه در پانزده سال گذشته، *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی*، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم. حقوق و علوم سیاسی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). *مروری بر نهضت های اسلامی در صد سال اخیر*، تهران: انتشارات صدرا.